

به مناسبت سالروز میلاد پیامبر اکرم (ص) و امام صادق (ع)

- **سوره یوسف، آیه ۱۰۸:** بگو: «این است راه من، که من و هر کس پیروی ام کرد با بینایی به سوی خدا دعوت می‌کنیم؛ و منزه است خدا، و من از مشرکان نیستم.»
- انس بن مالک می‌گوید: رسول خدا (ص) با نوشیدنی‌ای افطار می‌کرد و با نوشیدنی‌ای سحری می‌خورد و گاهی اوقات هم تنها یکی از این دو شربت درکار بود. شبی برای آن حضرت نوشیدنی تهیه کردم اما پیامبر (ص) نیامد. من خیال کردم یکی از اصحاب ایشان را دعوت کرده است، لذا خودم نوشیدنی را خوردم. ساعتی بعد از عشاء پیامبر (ص) آمد. من از فردی که همراه حضرت بود پرسیدم: «آیا پیامبر (ص) در جایی افطار کرده یا کسی ایشان را دعوت نموده است؟» گفت: «نه.» من آن شب را از فکر این که پیامبر (ص) نوشیدنی را از من بخواهد و شربتی نباشد و گرسنه بخواهد با چنان غم و اندوهی به سر بردم که فقط خدا از آن خبر دارد. اما صبح پیامبر (ص) در حالی که روزه داشت بیدار شد و درباره‌ی آن نوشیدنی از من سؤال نکرد و تاکنون نیز از آن سخنی به میان نیاورده است. (میزان الحکمه، ص ۶۱۹۹)
- چنان شد که پیامبر (ص) نماز جماعت را از همیشه سبک‌تر خواند، یکی گفت: «چرا؟»، فرمود: «مگر صدای گریه‌ی طفل را نشنیدی؟» (خاتم النبیین، علی کمالی، ص ۲۵۵)
- پیامبر (ص) خطبه می‌خواند، مردی را دید که در آفتاب ایستاده، اشاره کرد که به سایه رود. (خاتم النبیین، علی کمالی، ص ۲۵۲)
- پیامبر (ص) به هنگام سفر در عقب کاروان می‌ماند تا ضعیفان را حرکت دهد، مبادا از کاروان عقب بمانند. (خاتم النبیین، علی کمالی، ص ۷۲)
- رسول خدا (ص) از درو کردن محصول و چیدن میوه در شب منع می‌کرد، مبادا فقرا محروم شوند. (خاتم النبیین، ص ۱۹۴)
- روزی رسول خدا (ص) در مدینه از کوچه‌ای می‌گذشت. کودکان جلوی او را گرفتند و گفتند: «همان‌طور که حسن و حسین - علیهما السلام - را بر دوش خود سوار می‌کنی، ما را هم بر دوش خود سوار کن.» آن حضرت (ص) به بلال فرمود: «به خانه برو و هر چه پیدا کردی بیاور تا خود را از این بچه‌ها بخرم.» بلال رفت و مقداری گردو آورد و پیامبر (ص) گردوها را بین آنها تقسیم کرد و خود را از آنها خرید! (سیره‌ی حکومتی پیامبر اسلام (ص)، جلد اول، حسین جوان‌مهر، انتشارات کتاب مبین)
- شخصی را که به دزدی متهم بود نزد پیامبر (ص) آوردند. کسی که به عنوان شاهد در آنجا حضور یافته بود گفت: «من این مرد را دیدم که این چیز را می‌دزدید.» پیامبر (ص) فرمود: «چرا نمی‌گویی او را دیدم که آن را برمی‌داشت؟» (برگرفته از «پیامبر رحمت»، صدر بلاغی، انتشارات حسینیه ارشاد، ص ۱۷۴)
- مرد زناکاری را سنگسار کردند. شخصی به رفیق خود گفت: «او مثل سگ کشته شد.» پیامبر (ص) با آن دو نفر بر لاشه‌ی مرداری گذشتند، به آنان فرمود: «با دندان خود تکه‌ای از این لاشه را برکنید.» عرض کردند: «ای رسول خدا! درود خدا بر تو، مرداری را گاز بگیریم؟» فرمود: «آنچه از برادران برگرفتید، گندیده‌تر از این لاشه است.» (میزان الحکمه، ص ۱۰۵۳)
- مردی نزد پیامبر (ص) آمد و گفت: «هلاک شدم.» فرمود: «چه چیز تو را هلاک کرده؟» گفت: «روزه بودم و با همسرم هم‌خواه شدم.» فرمود: «بندۀای داری که آزاد کنی؟» گفت: «نه.» فرمود: «می‌توانی دو ماه روزه بگیری؟» گفت: «نه.» فرمود: «می‌توانی شصت مسکین را غذا دهی؟» گفت: «نه.» فرمود: «بنشین.» در این وقت زنبیلی خرما هدیه آوردند. پیامبر (ص) فرمود: «این سائل کجاست؟» گفت: «منم.» فرمود: «این خرما را بگیر و صدقه بده.» گفت: «آیا بر فقیرتر از خودم؟ به خدا سوگند بین این دو کوه سیاه مدینه خانواده‌ای فقیرتر از ما نیست.» پیامبر (ص) خندید و فرمود: «آن را ببر و به خانواده‌ات بده تا بخورند.» (خاتم النبیین، علی کمالی، ص ۲۶۹)
- پیامبر اکرم (ص): تا جایی که می‌توانید مجازاتها و حدود را از مسلمانان دور کنید ... اگر امام در بخشودن خطا کند بهتر است تا در کیفر دادن گرفتار خطا شود. (میزان الحکمه، ص ۱۰۴۵)
- پیامبر اکرم (ص): زنی بدکاره سگی را دید که بر سر چاهی لاله می‌زند و کم مانده از تشنگی بمیرد. او کفش خود را در آورد و آن را به روسری خود بست و به وسیله‌ی آن از چاه آب کشید او به آن حیوان داد، پس خداوند او را به سبب این کار آمرزید. (میزان الحکمه، ص ۱۳۴۷)
- حبیب بن حارث نزد پیامبر (ص) آمد و گفت: «من مردی هستم که زیاد گناه می‌کنم.» فرمود: «توبه کن.» گفت: «ای رسول خدا! توبه می‌کنم و باز هم گناه می‌کنم.» فرمود: «هر وقت گناه کردی توبه کن.» گفت: «ای رسول خدا! در این صورت گناهان من زیاد است.» پیامبر (ص) فرمود: «عفو خداوند از گناه تو بیشتر است.» (خاتم النبیین، علی کمالی، ص ۲۵۶)
- پیامبر اکرم (ص): به خوبی فرمان دهید، اگرچه خودتان به آن عمل نکنید و از زشتکاری‌ها باز دارید، هر چند خودتان از همه‌ی آنها اجتناب نکنید. (میزان الحکمه، ص ۳۷۲۱)
- پیامبر اکرم (ص): همه‌ی تقوا این است که آنچه را نمی‌دانی بیاموزی و آنچه را می‌دانی به کار بندی. (میزان الحکمه، ص ۷۰۱۹)
- پیامبر اکرم (ص): هیچ عملی جز با شناخت پذیرفته نشود و هیچ شناختی پذیرفته نیست جز با عمل. (میزان الحکمه، ص ۳۵۵۵)

- پیامبراکرم(ص): اگر روزی بر من بیاید که در آن روز بر دانش خود چیزی نیفزایم که به خدای تعالی نزدیکم گرداند، طلوع خورشید آن روز بر من مبارک مباد. (میزان الحکمه، ص ۳۹۳۳)
- پیامبراکرم(ص): بهترین صدقه، این است که انسان علمی را بیاموزد و سپس آن را به برادر خود آموزش دهد. (میزان الحکمه، ص ۳۹۵۵)
- پیامبراکرم(ص): علم عمل را صدا می‌زند، اگر پاسخش را داد می‌ماند وگرنه می‌رود. (میزان الحکمه، ص ۳۹۹۷)
- امام صادق(ع): مؤمن نیستی مگر آنکه در بیم و امید به سر بری و بیمناک و امیدوار نیستی مگر آنکه بر اساس آنچه مایه‌ی ترس و امید تو گشته عمل کنی. (میزان الحکمه، ص ۳۶۵)
- امام صادق(ع): ایمان مانند نردبانی است که ده پله دارد و پله‌های آن یکی پس از دیگری پیموده می‌شود، پس کسی که در پله دوم است نباید به آن که در پله اول است بگوید «تو چیزی نداری» و همچنین کسانی که در پله‌های دیگر هستند. آن را که در پله پایین‌تر از تو قرار دارد نینداز که بالاتر از تو نیز تو را می‌اندازد. اگر دیدی کسی یک پله از تو پایین‌تر است با مهربانی و ملائمت او را به طرف خود بالا کشان و فراتر از توانش باری به دوش او مگذار که او را می‌شکنی، و هر کس مؤمنی را بشکند باید شکستگی او را درمان کند. (میزان الحکمه، ص ۳۷۷)
- امام صادق(ع): هر که بر این باور باشد که از دیگران برتر است، او در شمار مستکبران است. [حفص بن غیاث می‌گوید: عرض کردم: «اگر گنهکاری را ببیند و به سبب بی‌گناهی و پاکدامنی خود، خویشتن را از او برتر بداند چه؟» فرمود: «هیئات، هیئات! چه بسا که او آمرزیده شود اما تو را برای حسابرسی نگه دارند، مگر داستان جادوگران موسی(ع) را خوانده‌ای؟» (میزان الحکمه، ص ۵۰۸۳)
- امام صادق(ع): دو مرد وارد مسجد می‌شوند. یکی از آن دو عابد است و دیگری فاسق. اما هنگامی که از مسجد بیرون می‌روند، آن فاسق به صدیق تبدیل شده و آن عابد به فاسق. علتش این است که وقتی که عابد وارد مسجد می‌شود به عبادت خود می‌نازد و همه‌اش در این‌باره می‌اندیشد، اما فاسق در اندیشه پشیمانی از بدکرداری خویش است و از این رو برای گناهان خود از خداوند طلب آمرزش می‌کند. (میزان الحکمه، ص ۳۴۵۳)
- امام صادق(ع): آیا دین جز محبت است؟ (میزان الحکمه، ص ۹۴۵)
- امام صادق(ع): دو مؤمن هرگز با هم دیدار نکنند مگر اینکه آن بهتر است که برادرش را بیشتر دوست داشته باشد. (میزان الحکمه، ص ۹۶۷)
- پیامبراکرم(ص): کسی که به دنیا بچسبد من سه چیز را برای او قطعی می‌دانم: فقری که هیچ‌گاه به بی‌نیازی نمی‌انجامد، گرفتاری‌ای که هرگز از آن خلاصی نیست و غم و اندوهی که هرگز به پایان نمی‌رسد. (میزان الحکمه، ص ۱۱۴۹)
- [از دعای امام صادق(ع) در روز عرفه: خدایا! به تو پناه می‌برم از دنیایی که از خیر آخرت جلوگیری کند و از زندگانی‌ای که بهترین مردن را باز دارد و از آرزویی که مانع بهترین کار شود. (میزان الحکمه، ص ۱۸۷)
- گوسفندی را ذبح کردند و گوشت آن را انفاق کردند. پیامبراکرم(ص) فرمود: «چیزی مانده است؟» عرض شد: «به‌جز شانه‌اش چیزی باقی نمانده است.» پیامبر(ص) فرمود: «به‌جز شانه‌اش همه‌ی آن باقی مانده است.» (میزان الحکمه، ص ۶۴۴۹)
- پیامبراکرم(ص): هر چیز که کم باشد و کفایت کند بهتر است از آنچه که زیاد و بیهوده باشد. (میزان الحکمه، ص ۴۳۳)
- پیامبراکرم(ص): پشیمان‌ترین مردمان در روز رستاخیز کسی است که آخرت خود را برای دنیای دیگری بفروشد. (میزان الحکمه، ص ۱۱۹۳)
- امام صادق(ع): بدان که هر کس در راه طاعت خدا خرج نکند به خرج کردن در راه معصیت خدای عزوجل گرفتار شود و هر که در راه رفع نیاز دوست خدا قدم بردارد به قدم برداشتن در راه رفع نیاز دشمن خدای عزوجل گرفتار آید. (میزان الحکمه، ص ۶۴۵۱)
- پیامبراکرم(ص): ای مردم! گویی مرگ در این دنیا برای غیر ما رقم خورده و انگار حق در آن بر غیر ما واجب گشته و گویی مردگانی که تشییع می‌شوند مسافرانی هستند که به زودی به سوی ما برمی‌گردند، خانه‌های آنان گورهایشان است و میراثشان را چنان می‌خوریم که گویی پس از آنان جاودانه‌ایم. از هر بلای سخت و بنیادکنی خود را ایمن می‌پنداریم و هر اندرزی را از یاد برده‌ایم. (میزان الحکمه، ص ۶۹۱۷)
- پیامبراکرم(ص): طاعت و نیکی آن است که جان بدان قرار گیرد و دل به آن آرام یابد و گناه آن چیزی است که جان بدان قرار نگیرد و دل به آن آرام نیابد، هر چند مفتیان [خلاف آن] به تو فرمان دهند. (میزان الحکمه، ص ۶۷۶۱)
- امام صادق(ع): هرگز دل به باطل بودن حق و به حق بودن باطل یقین نمی‌کند. (میزان الحکمه، ص ۵۱۱)
- پیامبراکرم(ص): خداوند - از روی حکمت و لطف خویش - آسایش و شادمانی را در یقین و خرسندی قرار داد و غم و اندوه را در شک و ناخشنودی [از خدا]. (میزان الحکمه، ص ۱۱۴۹)
- از امام صادق(ع) سؤال شد: «کمترین چیزی که بنده با آن کافر می‌شود چیست؟» آن حضرت سنگریزه‌ای از روی زمین برداشت و فرمود: «این که بگوید این ریگ یک هسته است و از هر که با این سخن او مخالفت ورزد بیزاری جوید.» (میزان الحکمه، ص ۳۸۷)
- پیامبر(ص) سپاهی را گسیل داشت و مردی را فرمانده آنان کرد و به سپاهیان فرمود تا دستورهای او را بشنوند و اطاعت کنند. او آتشی بی‌فروخت و به سپاهیان دستور داد خود را در آن بیندازند. گروهی از وارد شدن به آتش سر باز زدند و گروهی مردد بودند که وارد آتش شوند. این خبر به پیامبر(ص) رسید، فرمود: «اگر به درون آتش می‌رفتند برای همیشه در آتش بودند.» آن‌گاه فرمود: «در معصیت خدا نباید از کسی اطاعت کرد.» (میزان الحکمه، ص ۲۳۵)

- امام صادق (ع) در پاسخ به سؤال ابوبصیر از آیه «یهود علما و راهبان خود را، به جای خدا، خداوندگاران خود گرفتند»، فرمود: «به خدا سوگند علما و راهبان یهود آنان را به عبادت خود فرخواندند. اگر ایشان را به عبادت خود دعوت می‌کردند قطعاً دعوتشان را نمی‌پذیرفتند، بلکه حرامی را برای آنان حلال کردند و حلالی را حرام و بدین ترتیب ناآگاهانه علما و راهبان خود را عبادت و بندگی کردند.» (میزان الحکمه، ص ۳۴۲۱)
- امام صادق (ع): هر که از طریق اشخاص به این دین درآمد همان اشخاص همچنان که او را به آن درآورده‌اند از آن خارجش کنند. (میزان الحکمه، ص ۱۸۲۱)
- امام صادق (ع): کسی که زمان خود را بشناسد، آماج اشتباهات قرار نگیرد. (میزان الحکمه، ص ۲۲۰۵)
- امام صادق (ع): بنی‌امیه تعلیم ایمان را برای مردم آزاد گذاشتند، اما تعلیم شرک را آزاد نگذاشتند تا اگر آنان را به شرک بکشاند متوجه نشوند. (میزان الحکمه، ص ۲۷۱۹)
- پیامبر اکرم (ص): چون بدعت‌ها در امت من پدید آید بر عالم است که علم خود را آشکار کند. پس هر کس چنین نکند لعنت خدا بر او باد. (ترجمه‌ی الحیاة، ج ۲، ص ۴۶۷)
- پیامبر اکرم (ص): به نماز و روزه و حج و بخشش و ناله‌های شبانه‌ی زیاد آنها نگاه نکنید، بلکه به راستگویی و امانتداری آنها بنگرید. (میزان الحکمه، ص ۴۰۹)
- امام صادق (ع): کسی که پایبند عهد و پیمان نیست دین ندارد. (میزان الحکمه، ص ۱۸۰۷)
- پیامبر اکرم (ص): مردم هرگز هلاک نشوند مگر آنگاه که با خود پیمان‌شکنی کنند. (میزان الحکمه، ص ۴۲۶۱)
- امام صادق (ع): سه چیز است که هیچ‌کس در آنها معذور نیست: برگرداندن امانت به نیک و بد، وفای به عهد با نیک و بد و خوشرفتاری با پدر و مادر، خوب باشند یا بد. (میزان الحکمه، ص ۶۹۶۹)
- پیامبر اکرم (ص): نزدیک‌ترین شما به من در موقف فردای قیامت، راستگوترین شماست و امانتدارترین شما و پایبندترین شما به عهد و پیمان و خوشخوترین شما و نزدیک‌ترین شما به مردم. (میزان الحکمه، ص ۶۹۶۷)
- پیامبر اکرم (ص): هر یک از شما در دنیا سخن حقی را بگوید تا بدان وسیله باطلی را دفع کند یا حقی را یاری رساند، مقامش برتر از مقام و ارزش هجرت با من است. (میزان الحکمه، ص ۶۶۰۵)
- پیامبر اکرم (ص): هر که نزد توانگری رود و از سر چشمداشت به آنچه او دارد در برابرش کرنش کند دو سوم دینش از بین می‌رود. (میزان الحکمه، ص ۶۸۵۳)
- پیامبر اکرم (ص): هر کس با انجام کاری که خدا را ناخشنود می‌کند فرمانروایی را خشنود سازد از دین خدای عزوجلّ خارج شده‌است. (میزان الحکمه، ص ۳۲۳۵)
- پیامبر اکرم (ص): بدترین‌های امت آن کسانی‌اند که از ترس شرّشان آنها را گرامی دارند. (تحف العقول، ص ۵۸)
- پیامبر اکرم (ص): هرگاه دیدی که امت من به ستمگر نمی‌گویند «تو ستمگری» بی‌تردید از دست رفته‌اند. (میزان الحکمه، ص ۱۸۱۱)
- پیامبر اکرم (ص): هرگونه که باشید همان‌گونه بر شما حکومت می‌شود. (میزان الحکمه، ص ۶۸۵۳)
- امام صادق (ع): اگر بنی‌امیه کسی را نمی‌یافتند که برایشان بنویسد و مالیات جمع‌آوری کند و برایشان بجنگد و در جماعتشان حاضر شود، هرگز نمی‌توانستند حق ما را سلب کنند. (میزان الحکمه، ص ۳۳۸۱)
- پیامبر اکرم (ص): چون روز قیامت فرارسد، منادی بانگ کند: «کجایند ستمگران و دستیاران ستمگران: کسی که لقیه‌ای در دوات ایشان گذاشته یا سر کیسه‌ای برای ایشان بسته یا یک بار برای ایشان قلم به دوات زده‌است، همه را با آنان محشور کنید.» (ترجمه‌ی الحیاة، ج ۲، ص ۵۰۲)
- پیامبر اکرم (ص): همانا پیشینیان شما هلاک شدند، زیرا اگر بزرگی از ایشان دزدی می‌کرد، رهایش می‌کردند و چون فردی ضعیف دزدی می‌کرد، بر وی حد جاری می‌کردند. (صحیح مسلم، ج ۱۱، ص ۱۸۷)
- پیامبر اکرم (ص): خداوند آن امتی را که در آن حق ناتوان بدون ترس و لرز از قدرتمند گرفته نشود هرگز پاک نمی‌گرداند. (میزان الحکمه، ص ۴۶۱۹)
- پیامبر اکرم (ص): در دهان مدیحه‌سرایان خاک بپاشید. (خاتم النبیین، علی کمالی، ص ۸۵)
- پیامبر اکرم (ص): هرآینه‌گره‌های اسلام یکی یکی گشوده خواهد شد و هرگاه گرهی باز شود مردم به گره بعدی آن خواهند پرداخت، اولین گرهی که باز می‌شود زیر پا گذاشتن داوری [عادلان] است و آخرین آن نماز. (میزان الحکمه، ص ۲۵۵۵)
- پیامبر اکرم (ص): ساعتی عدالت، بهتر از شصت سال عبادت است که شبش به عبادت و روزش به روزه‌داری بگذرد و یک ساعت بی‌عدالتی در حکومت، نزد خدا بدتر از شصت سال گناه است. (میزان الحکمه، ص ۳۴۹۵)
- پیامبر اکرم (ص): هرکس که مردی را بر ده تن امیر کند و بداند که در میان آن ده تن کسی شایسته‌تر از آن امیر است، قطعاً به خدا و رسولش خیانت کرده است. (خاتم النبیین، علی کمالی، ص ۳۶۱)
- پیامبر اکرم (ص): من از سه چیز بر امت خود بیم دارم: گردن نهادن به فرمان آزمندی و بخل، پیروی از هوا و هوس، و پیشوای گمراه. (میزان الحکمه، ص ۲۰۱)

□ پیامبر(ص) مردی را برای جمع آوری صدقات فرستاد. وی پس از بازگشت از مأموریت خود و هنگام حسابرسی، قسمتی از صدقات را تحویل بیت‌المال داد و گفت: «این برای شماس است» و قسمتی را برای خود نگه داشت و گفت: «این به من هدیه شده است.» پیامبر اکرم(ص) به شدت ناراحت شد و به منبر رفت و گفت: «...چه می‌شود عاملی را که برای جمع آوری صدقات می‌فرستیم، می‌گویند این برای شماس است و این به من هدیه شده است؟! آیا اگر او تاکنون در خانه‌ی پدر و مادرش نشسته بود چیزی به او هدیه می‌دادند؟ سوگند به آنکه جانم در دست اوست، هیچ یک از شما به چیزی از بیت‌المال چنگ نمی‌اندازد مگر آنکه روز قیامت در حالی که آن چیز وبال گردنش شده است به محشر وارد می‌شود.» (صحیح بخاری، ج ۹، ص ۷۱۹)

□ پیامبر اکرم(ص): هر که از خدای عزوجل بترسد، همه چیز از او بترسد و هر که از خدا نترسد، خداوند او را از همه چیز بترساند. (میزان‌الحکمه، ص ۱۵۷۵)

□ امام صادق(ع): از ریاکاری بپرهیز، زیرا هر که برای غیر خدا کاری کند خدا او را به همان کسی که برایش کار کرده است واگذارند. (میزان‌الحکمه، ص ۱۹۴۱)

□ امام صادق(ع): هدیه سه گونه است: هدیه جبرانی، هدیه رشوه‌ای و تملق آمیز و هدیه برای خدای عزوجل. (میزان‌الحکمه، ص ۶۶۵۱)

□ امام صادق(ع): زنهار، مردم تو را از خودت غافل نگردانند، زیرا نتیجه آن به خودت می‌رسد نه به آنها. (میزان‌الحکمه، ص ۵۳۳۷)

□ پیامبر اکرم(ص): گناه کردن مردم تو را از گناهت غافل نکند و نعمتهای مردم تو را از نعمتهایی که خداوند ارزانیت داشته است دچار غفلت نسازد و مردم را از رحمت خدای عزوجل که تو خود بدان امید بسته ای نومید مگردان. (میزان‌الحکمه، ص ۴۲۷۵)

□ امام صادق(ع): دوست داشتنی‌ترین برادرم کسی است که عیبهایم را به من پیشکش کند. (میزان‌الحکمه، ص ۸۵)

□ پیامبر اکرم(ص): حکایت مؤمن و برادرش حکایت دو کف دست است که یکی دیگری را تمیزی می‌کند. (میزان‌الحکمه، ص ۵۴۲۷)

□ پیامبر اکرم(ص): سوگند به آنکه جان محمد در دست اوست، هیچ بنده‌ای به من ایمان نیاورده در حالی که شب را سیر بخوابد و برادر (یا همسایه‌ی) مسلمانش گرسنه باشد. (میزان‌الحکمه، ص ۳۲۹۵)

□ پیامبر اکرم(ص): هر که صبح کند در حالی که به امور مسلمانان اهتمام ندارد از آنها نیست و هر که فریاد کمک‌خواهی مردی را بشنود و به کمکش نشتابد مسلمان نیست. (میزان‌الحکمه، ص ۲۵۵۵)

□ امام صادق(ع): خدای عزوجل فرموده است: «مردم خانواده من هستند، پس محبوب‌ترین آنان نزد من کسانی هستند که با مردم مهربان‌تر و در راه برآوردن نیازهای آنان کوشا تر باشند.» (میزان‌الحکمه، ص ۹۵۳)

□ امام صادق(ع): مردم بیش از آن که با عمر خود زندگی کنند، با احسان و نیکوکاری خویش می‌زیزند و بیش از آن که به سبب فرارسیدن اجل خود بمیرند بر اثر گناهان خویش در می‌گذرند. (میزان‌الحکمه، ص ۴۹)

□ امام صادق(ع): به یکی از اصحاب خود فرمود: «با بدهکارت چه کردی؟» عرض کرد: «آن زن‌زاده؟» حضرت با خشم نگاهی به او کرد. عرض کرد: «فدایت شوم، او مجوسی‌ای است که با خواهر خود ازدواج کرده است.» حضرت فرمود: «آیا نه این است که این عمل در آیین آنها از دواج محسوب می‌شود؟» (میزان‌الحکمه، ص ۴۷۹۷)

□ [هاشم صاحب پست و دو تن دیگر از شیعیان درباره اینکه کسی که امر امامت را نشناسد کافر است یا نه اختلاف رأی داشتند. او می‌گوید: به حج رفتم و خدمت امام صادق(ع) رسیدم و این موضوع را به او گزارش دادم. فرمود: «تو حاضری و آن دو طرف غایبند، موعد شما امشب نزد جمعه‌ی وسطی در منی باشد.» چون شب شد همه نزد او گرد آمدیم... فرمود: «... سبحان الله، تو خانه کعبه را نبینی و آن همه طواف کنندگان بر آن را و اهل یمن را و اینکه همه به پرده کعبه چسبیده‌اند؟» گفتم: «چرا.» فرمود: «همه نمی‌گویند اشهدان لاله‌الاله و اشهدان محمد رسول الله و نماز می‌خوانند و روزه می‌دارند و به حج می‌روند؟» گفتم: «چرا.» فرمود: «اینها می‌دانند آنچه شما عقیده دارید؟» گفتم: «نه.» فرمود: «درباره آنها چه می‌گویی؟» گفتم: «هر که این امر امامت را نداند کافر است.» فرمود: «سبحان الله، این عقیده‌ی خوارج است.» سپس فرمود: «اگر بخواهید به شما خبر دهم.» من گفتم: «نه.» پس فرمود: «هلا برای شما بد است که چیزی از جانب ما بگویند که از ما نشنیده‌اید.» (اصول کافی، ج ۴، کتاب ایمان و کفر، باب ضلال، حدیث نخست)

□ امام صادق(ع): از خود راضی و مغرور مباش؛ گاه فریب ثروت و تندرستی خویش را می‌خوری و خیال می‌کنی که برای همیشه زنده‌ای، گاه فریب عمر دراز و فرزندان و دوستان و یارانت را می‌خوری، به این خیال که اینها موجب نجات تو هستند، ... گاه به این غره‌ای که به مردم وانمود می‌کنی از کوتاهی کردن در عبادت پشیمانی، حال آنکه خداوند تعالی می‌داند که خلاف آن در دل تو می‌گذرد، گاه خودت را در عبادت به زحمت می‌اندازی در صورتی که خداوند خواستار اخلاص است، ... گاه باشد که به ظاهر خدا را بخوانی اما در واقع دیگری را می‌خوانی، گاه به گمان خودت مردم را نصیحت و خیرخواهی می‌کنی اما در واقع غرض تو جلب توجه و متمایل کردن آنان به سوی خودت می‌باشد، گاه نفس خویش را نکوهش می‌کنی حال آن که در حقیقت در پی ستایش آن هستی.

بدان که از تاریکیهای فریب و آرزو هرگز بیرون نروی مگر این که از سر راستی به پیشگاه خدای تعالی توبه ببری و در برابرش فروتنی و زاری کنی و معایبی که در تو هست و با عقل و علم سازگاری ندارند و دین و شریعت و روشها و معیارهای پیامبر و ائمه هدی آنها را تحمل نمی‌کنند بشناسی. اگر به وضعی که داری خرسند و قانع باشی در بدبختی و تباه کردن عمر و حسرت و افسوس خوردن در روز قیامت کسی بدتر از تو نخواهد بود. (میزان‌الحکمه، ص ۴۲۷۷)

□ پیامبر اکرم(ص): گنهکار امیدوار به رحمت خدای متعال به رحمت نزدیک‌تر است تا عابد نومید گشته. (میزان‌الحکمه، ص ۵۰۴۷)

□ پیامبر اکرم(ص): ای گروه مسلمانان! استین بالا زیند که موضوع جدی است و آماده شوید که رفتن نزدیک است و توشه بردارید که سفر طولانی است. بارهایتان را سبک کنید که گردنه‌ای دشوار فراروی دارید و جز سبکباران آن را نپیمایند. (میزان‌الحکمه، ص ۸۶۱)